



کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی

جامع البین

حبیب عفیفی

زمان خودش چنین است:

۱- نوشته‌ای موجز و در عین حال کامل و شامل تمام ابواب و ابیات اصولی مطرح نزد عامه و خاصه در زمان تألیف کتاب است.

۲- دارای آخرین دیدگاه‌ها و مطالعات علامه حلی در علم اصول و عصاره کتاب نه‌ایه الوصول است. از علامه در این باره نقل شده است که نوشته‌اند: «إینه مختصر النهایه».^۴

۱. بحار الانوار؛ ج ۱۰۴، ص ۱۸۷.

۲. گزارش تاریخ ولادت و وفات سید ضیاء‌الدین را در منابع رؤیت نکردم و تنها در الذریعه و... (کان حیا ۷۴۰ هـ) ذکر شده است. شاید بتوان با استناد به نسخه شماره ۲۸۷۹ معرفی شده همراه با تصویر آغاز و انجام، در فهرست نسخ خطی مرکز احیاء میراث اسلامی (ج ۷، ص ۳۱۸-۳۲۰) و کلام آغاز بزرگ در الذریعه (ج ۲۳، ص ۲۰۸) (با قرار دادن مطالب این دو در کنار هم) بتوان گفت این نسخه منیه اللیب از جلال الدین محدث ارموی، بنا به نوشته آغاز بزرگ جزء اوک و قسمتی از جزء دوم آن به دست خط ضیاء‌الدین است و تاریخ مسوده به دست خط کاتب جزء دوم آن ۷۶۶ هـ نوشته شده، و بعد از آن با همان دست خط اوک نسخه (یعنی خط ضیاء‌الدین) فرغ من تسویده ۷۴۰ هـ ذکر شده که قاعدتاً باید بعد از اتمام کتابت کاتب به تاریخ ۷۶۶ هـ باشد، پس در این تاریخ ضیاء‌الدین در قید حیات بوده است. والله اعلم.

۳. از این شرح تا به حال نسخه‌ای شناسایی نشده است و نسخه منتسب به سید عمیدالدین در الذریعه (ج ۱۳، ص ۱۶۸) و آستان قدس رضوی (ج ۲، ص ۱۹۸، ش ۴۳) اشتباه است. مطالب بیشتر را در نوشته‌ای تحت عنوان «فایده‌ای دیگر از جامع البین من فوائد الشرحین» بررسی کرده‌ایم.

۴. تهذیب الوصول الی علم الاصول؛ مؤسسه امام علی (ع)، مطبعه ستاره، مقدمه التحقیق، ص ۱۸.

کتاب جامع البین من فوائد الشرحین، از شیخ شهید ابو عبدالله شمس‌الدین محمد بن مکی العاملی شرحی توضیحی، استدلالی بر تهذیب الوصول الی علم الاصول علامه حلی است که ایشان از عالمان نامی شیعه، ملقب به «شهید» و یا «شهید اوک» می‌باشد که مصنفات بسیاری در موضوعات مختلف فقهی و اصولی و کلامی و حدیث و... دارند.

ایشان در اجازه‌اش به علی ابن الخازن الحائری که در روز چهارشنبه ۱۲ رمضان سال ۷۸۴ هـ در دمشق نوشته شده، از کتاب جامع البین من فوائد الشرحین در کنار دیگر تصنیفات خودش اینگونه تعبیر می‌کند: «فمما صنفته کتاب القواعد و الفوائد فی الفقه... و من ذلك کتاب الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه... و من ذلك کتاب غایه المراد فی شرح الارشاد... و من ذلك شرح التهذیب الجمالی فی الاصول الفقه و...»^۱.

شهید اوک (رحمه الله تعالی) از شاگردان سید عمیدالدین عبدالمطلب بن الاعرج الحسینی (متولد نیمه شعبان سال ۶۸۱ هـ متوفای ۱۰ شعبان سال ۷۵۴ هـ)، و سید ضیاء‌الدین عبدالله بن الاعرج الحسینی (زنده در سال ۷۴۰ هـ)^۲ است که این دو بر کتاب اصولی علامه حلی موسوم به تهذیب الوصول الی علم الاصول شرح زده‌اند که شرح سید ضیاء‌الدین منیه اللیب فی شرح تهذیب و شرح سید عمیدالدین نامش نامعلوم است،^۳ و شهید اوک بین مطالب این دو شرح، جمع کرده، خود نیز فوایدی بر آن افزوده است.

امتیازات کتاب تهذیب الوصول بر دیگر کتاب‌های اصولی

تهذیب الوصول بعد از نهاییه الوصول تألیف شده است که به درخواست پسرش فخرالمحققین، کتاب نهاییه الوصول خودش را تهذیب کرده است و در مواردی با کتاب نهاییه الوصول تفاوت نظر داشته که مصنف در متن تهذیب به عقیده خودش در نهاییه الوصول اشاره کرده است؛ همچنین شهید در جامع البین من فوائد الشرحین بارها به تناسب بحث، به قول علامه در نهاییه الوصول اشاره کرده است.

۳- این کتاب در زمان حیات مؤلف و بعد از آن سالیان متمادی از کتب درسی حوزه بوده است؛ لذا دارای شروع و حواشی و تعلیقه های بسیاری شده است.

سید ضیاءالدین در مقدمه منیة اللیب امتیازات تهذیب را این گونه می شمرد: «قد صنف فی هذا العلم مختصرات و مطولات و كان أقلها حجماً و أكثرها علماً و أحسنها ترتيباً و نظماً کتابه المسمى بتهذیب الوصول فإنه قد اشتمل على الحاصل و المحصول و احتوى على النهاية الوصول فی علم الوصول لكنه لغزارة علمه و نزاره حجمه يحتاج الناظر فيه الى شرح ...».

ویژگی های جامع البین من فوائد الشرحین

شهید اول (ره) بین مطالب شرح التهذیب سید عمیدالدین و منیة اللیب فی شرح التهذیب سید ضیاءالدین جمع کرده، خود نیز مطالب ارزنده ای به آن افزوده است. ویژگی های جامع البین را این گونه می توان شمرد:

- ۱- تنها اثر شهید اول در علم اصول الفقه به صورت جامع است.
- ۲- تمام فواید و ویژگی های دو شرح اخوین سیدین عمیدالدین و ضیاءالدین را یکجا دارا می باشد.
- ۳- دارای لطایف و فوایدی از خود شهید اول است که جای دیگر موجود نمی باشد. نص نوشته شهید اول (ره) در این باره در مقدمه کتاب جامع البین اینگونه آمده است: «... استعینک فی الجمع بین شرحی الامامین السیدین الأبرین لکتاب تهذیب الوصول إلى علم الوصول من مصنفات الداعی إلى الله شیخنا الإمام جمال الدین یوسف [بن] المطهر (قدس الله روحه) مع زیادات لطیفة و فوائد شریفه ...».

۴- متن تهذیب را از نسخ مورد اعتماد دو استاد شارح خود و گاهی متفاوت از دیگر نسخ کتاب، با عنوان «قال» آورده است و سپس با ذکر عنوان «اقول» مطالب شرح را بیان کرده اند و گاهی در محل اختلاف عبارت بین نسخ، آنجا که لازم دانسته، به این تفاوت تصریح کرده اند.

همچنین چنانچه شرح دو برادر به خاطر تفاوت عبارت نسخه ای که در اختیارشان بوده، متفاوت شده، اشاره به تفاوت

کرده است (محقق با داشتن کتاب جامع البین از تهذیب الوصول بی نیاز می شود).

۵- علامه حلی در تهذیب و نهاییه الوصول الی علم الاصول و سید ضیاءالدین در منیة اللیب نقل قول های بسیاری از علمای سنی مذهب (مذاهب اربعه) و همچنین از کتب شیعی مانند: الذریعه سیدمرتضی (متوفای ۴۳۶ هـ) و کتاب عده فی علم الاصول محمدبن حسن الطوسی معروف به شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هـ) و همچنین ابن سینا نقل مطلب دارد. نام قاضی ابن براج (متوفای ۴۸۱ هـ) در موارد متعددی، و از شیخ مفید و کمال الدین ابن میثم البحرانی (رحمهم الله تعالی) در بعضی موارد، در کتاب جامع البین من فوائد الشرحین آمده است و اشاره به آرای اصولی آنها شده که این به غنای بحث می افزاید و برای اهل فن دارای ارزش خاصی است.

۶- شهید اول در کتاب جامع البین مضاف بر اقوال علمای گذشته، نکات و اقوال معاصرین عصر تألیف تهذیب و منیة اللیب را به این مجموعه فواید افزوده است که می توان برای مثال از شرح عضدی بر مختصر المنتهی الاصولی ابن الحاجب نام برد.

۷- دربرگیرنده اقوال بسیاری از قاضی ابن براج و سید عمیدالدین است که اصل تألیفات اصولی این دو عالم مفقود شده، در دسترس محققین نیست. شرح سید عمیدالدین نزد شهید اول موجود بوده است^۵ و کتاب ابن براج یا در دست شهید و یا در دست سید عمیدالدین بوده است؛ به هر حال این نقل قول ها اهمیت بسیاری دارد؛ چرا که نه تنها در تهذیب الوصول، بلکه در کتاب مفصل نهاییه الوصول اقوال اصولی قاضی ابن براج صاحب کتاب جواهر الفقه نیامده است.^۶

۵. قرائتی در حواشی شهید ثانی بر جامع البین وجود دارد که نشان از وجود شرح عمیدی در نزد وی دارد؛ مانند: ۱. «الثالث زائد علی الشرحین و لاجاهه الیه»؛ ۲. «قلت لافرق بین قول ابی عبدالله البصری ... و بین قول الاخرین ... و الظاهر ان منشاوه السهو فان السید ضیاءالدین لم يذكر قول البصری و ذکر قول الاخرین مجمع المصنف بین کلامی الشرحین و هما واحد».

۶. دیدگاه های عمیدالدین به دو صورت، توسط شهید اول مشخص شده است: ۱. با تصریح به اسم عمیدالدین و یا تعبیر «شیخنا»؛ ۲. با نصب حرف «ع» بر بالای متن در بعضی موارد.

مقدمه اش بر نسخه هند به این نکته تصریح کرده اند؛ همچنین مکرراً سهو موجود در متن را متذکر شده اند.

۲- نمونه ای از حواشی شهید در این رابطه اینگونه است:

- هکذا بخطه فی المسوده والصبوب ...

- هکذا وجدت بخط المصنف (ای: شهید اول) و هو

السهو ... لعدم المراجعة.

عبارت شیخ حسین نیز در مقدمه نسخه هند اینگونه است: «انه رحمه الله لم يراجع المسودة بعد الجمع ... ولهذا وجدنا فيها سقطاً كثيراً من الاحرف والكتاب والسنة، وقد وجدنا فيه أيضاً تكراراً بئناً في عدة مواضع، وكأنه لما حاول الجمع بينهما ذهل عما كتبه من احدهما فكتبه من الآخر ونحو ذلك».

با وجود چنین وضعیتی در متن جامع البین، شاید بتوان گفت: علت اینکه علمای متأخر از شهید اول (مانند شهید ثانی و دیگران) به کلام جامع البین در مؤلفاتشان استناد نکرده اند، وجود همین اشکالات در متن این اثر است که استدلال به نکات موجود در نوشته به عنوان نظر قطعی و نهایی شهید را مخدوش می کند؛ زیرا موارد سهو زیاد است و احتمال اعمال تصحیح شهید در بسیاری از موارد قوی است؛ همان طور که محشین جامع البین با تصریح به سهو در عبارت آن را اصلاح کرده اند؛ علاوه بر این شیخ حسین این تألیف را در ایام جوانی شهید می داند.^۹

برای بیان خلاصه اشکالات موجود در این مسوده، پنج مورد را می توان برشمرد:

۱- سهو؛ ۲- سقط؛ ۳- تکرار؛ ۴- بعضاً پرش در عبارت؛ ۵- گاه نامرتبی و پراکندگی در عبارت.

تتها بعضی از موارد بالا در حواشی موجود جبران و اشاره شده است و بعضاً آنقدر خلاصه نویسی شده که فهم متن مشکل گشته است.

۷. رسائل شهید ثانی؛ ج ۲، ص ۸۳۵-۸۴۳.

۸. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (ج ۷، ص ۱۵۱) (توضیحات کامل را بعداً می آوریم، لکن شرح تهذیب که اینجا تعبیر شده است همان جامع البین شهید اول است، که به خاطر افتادگی آغاز و انجام نسخه و صحافی شدن مقداری از صفحات آخر نوشته اشتباهاً در اول نسخه و همچنین نادر بودن نسخه «جامع البین من فوائد الشرحین» در اینجا توهم شده است که شرح تهذیب سیدعمیدالدین می باشد.) به سبب دو شرح سیدضیاء و سیدعمیدالدین در انتساب دچار مشکل بوده، بسیاری دچار خلط شده اند؛ لذا این فهرست نویس دقیق النظر در معرفی این نسخه دچار لغزش قلم شده است.

۹. در این کلام شیخ حسین، پدر شیخ بهایی اشکالی به نظر می رسد که در ادامه - ان شاء الله - به آن اشاره خواهیم کرد.

۸- توجه و تصحیح شهیدثانی بر کتاب جامع البین من فوائد الشرحین؛ زیرا در اجازه مفصله خود در سنه (۹۴۱ هـ) به شیخ حسین بن عبدالصمد، والد شیخ بهایی می نویسد: «وقرأ علی هذا الضعیف وسمع کتبا کثیره فی الفقه والاصول والمنطق وغیرها، فمما قرأه من کتب اصول الفقه «مبادئ الوصول» و «تهذیب الوصول» و ... شرحه «جامع البین من فوائد الشرحین».

نوشته ای که در ابتدای نسخه هند جامع البین است که گفته می شود به دست خط شیخ بهایی است، به این تصریح دارد که شهید ثانی بر نسخه شیخ حسین پدر شیخ بهایی که در متن این اجازه به آن اشاره شده، حواشی دارد؛ علاوه بر این در دو نسخه به دست آمده از جامع البین حواشی بسیاری از شهید ثانی نقل شده که از جمله این حواشی رساله الاجماع فی زمن الغیبه شهید ثانی است که در رسائل شهید ثانی به چاپ رسیده است؛^۷ و این نشان از توجه خاص شهید ثانی به این تألیف شهید اول است. در متن این حواشی دلایل و قرائنی دال بر تصحیح متن جامع البین توسط شهید ثانی موجود است که ان شاء الله خواهیم آورد.

مؤلف کتاب شریف جامع البین من فوائد الشرحین بیشترین تکیه را در مطالب به منیة اللیبب داشته است. این تکیه به عبارت و محتوا و روش آنقدر است که نویسنده جلیل القدر و دقیق النظر فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، استاد عبدالحسین حائری در جلد هفتم، مجموعه امام جمعه خویی، تحت عنوان شرح تهذیب الوصول با بررسی این کتاب و کتاب ضیاءالدین، یعنی منیة اللیبب می نویسد: «روش این دو شرح با یکدیگر سخت نزدیک است؛ هر چند توافق کامل بین آن دو نیست ...»^۸. سیدضیاءالدین منیة اللیبب فی شرح التهذیب را به روش (قال، اقول) تألیف کرده است که بعد از «قال» عبارت علامه را آورده و بعد از آن با ذکر کلمه «اقول» شرح را نوشته است، و شهید اول با متابعت از این روش، کتاب جامع البین من فوائد الشرحین را تنظیم نموده اند.

وضعیت متن موجود از جامع البین

متن موجود از جامع البین، مسوده شهید اول است که شهید ثانی در حواشی موجود بر جامع البین و شیخ حسین در

تعبیرات و تصریحات شهید از نام دو شارح

شهید اوک (رحمه الله تعالی) در مقدمه آورده اند: «استعینک فی الجمع بین شرحی الامامین السیدین الأبرین» و سپس در متن جامع البین از سید عمیدالدین به «شیخنا» تعبیر کرده اند و فرموده اند: «قال شیخنا عمیدالدین فی شرحه: ...».

از سید ضیاءالدین نیز اینگونه تعبیر آورده اند: «هكذا ذكره السيد العلامة ضياء الدين (رحمه الله تعالى) و در جایی دیگر می فرماید: «قال سید ضیاءالدین فی شرحه: ...». البته همین نقل مطلب، با تصریح به اسم شارح بود که انتساب کتاب منیة اللیب فی شرح التهذیب را به سید ضیاءالدین محرز کرد و نقض و ابرام نویسندگان فهارس نسخ خطی را - که در مجموع باعث سردرگمی در این موضوع می شد - به پایان رسانده است.

هر چند بعضی از فهرست نویسان با تجربه انتساب کتاب را به سید ضیاءالدین (رحمه الله تعالی) قطعی دانسته اند، لکن دقیقاً به دلیلی استناد کرده بودند که مخالفان آن را مؤید منتسب بودن کتاب به سید عمیدالدین دانسته اند؛ در این باره مطالب بسیاری را جستجو کرده ایم؛ حتی عالمانی بزرگ همچون میرزای قمی و فاضلین نراقی و شیخ انصاری و ... هم در نقل اقوال از کتاب منیة اللیب با اسم عمیدالدین تعبیر کرده اند.

آنچه معلوم است منیة اللیب در کنار تهذیب الوصول علامه شهرت بسیاری پیدا کرده است و مورد استفاده بسیاری قرار گرفته است؛ لکن با انتساب اشتباه به سید عمیدالدین به جای برادرش سید ضیاءالدین.^{۱۰}

در جامع البین از کتاب های اصولی دیگر علامه حلی مانند نهایة الوصول الی علم الاصول و مبادی الوصول الی علم الاصول هم در کنار متن کتاب تهذیب الوصول الی علم الاصول مطالبی نقل شده است و از نهایة الوصول الی علم الاصول تصریحاً و به مراتب نام برده است.

مطلب دیگر اینکه: از هیچ یک از کتاب های سید ضیاءالدین و سید عمیدالدین در این نوشته نام و یا استناد به مطالب آنها نشده است. مباحث اصولی به تبعیت از کتاب تهذیب الوصول علامه حلی به دوازده مقصد مرتب شده است.

این کتاب با عناوین مختلف نام برده شده است:

۱. جامع البین من فوائد الشرحین: نام دقیق و درست کتاب همین است. این نام را شهید ثانی در اجازه مفصله خود به پدر شیخ بهایی آورده است؛^{۱۱} همچنین پدر شیخ بهایی در مقدمه خود در ابتدای نسخه هند با این اسم، کتاب را نامگذاری کرده است.

۲. جامع العین من فوائد الشرحین: با این اسم و جامع العین - مختصراً - اسماعیل باشا در ایضاح المکنون (ج ۱، صص ۳۵۵، ۴۳۳، ۴۷۱، ۵۵۹، ۵۶۰). آن را قید کرده است. و (ج ۲، ص ۲۶۵) و هدیه العارفین (ج ۲، ص ۱۷۱) آورده است و پیرو آن، عمر رضا کحّال در معجم المؤلفین (ج ۱۲، ص ۴۶) در صفحه اول از نسخه نجف دست خطی وجود دارد که از کتاب به این اسم تعبیر شده، لکن در کتاب الشهید الاول حیات و آثار آمده است: «هو الخطاء بلا شک».^{۱۲}

۳. شرح تهذیب الوصول: آغا بزرگ طهرانی در الذریعه با این نام می آورد و بعد از ذکر این نام می نویسد: «ذکره بنفسه فی بعض اجزائه، ولعله الذی سماه بـ» جامع البین من فوائد الشرحین» ای شرحی الاخوان ضیاءالدین و عمیدالدین الذی راه المحدث الحر بخط الشهید الثانی ...».^{۱۳}

۴. الجمع بین الشرحین: در اعیان الشیعه (ج ۱۰، ص ۶۱)، همچنین محقق تستری در کشف القناع (ص ۳۶۳) با این اسم تعبیر کرده اند.^{۱۴}

۵. شرح التهذیب الجمالی: تعبیر شهید در اجازه اش به ابن الخازن، قبلاً اشاره شد و اعیان الشیعه (ج ۱۰، ص ۶۲) نیز به همین شکل است.

۶. جامع البین فی فوائد الشرحین: در اعیان الشیعه (ج ۱۰، ص ۶۲) به این اسم آمده است. در این کتاب در موارد جداگانه ای به این سه اسم، به این ترتیب که آورده ایم، اشاره

۱۰. مقاله ای در بررسی این موضوع نوشته شده است که در آن دلایل اثبات منیة اللیب را برای ضیاءالدین آورده ایم و مطالبی را برای شناسایی شرح عمیدالدین در آنجا ذکر کرده ایم.

۱۱. رسائل شهید ثانی؛ ج ۲، ص ۱۱۱۴ و بحار الانوار؛ ج ۱۰۸، ص ۱۴۸.

۱۲. الشهید الاول: حیات و آثار، ص ۱۵۲.

۱۳. الذریعه؛ ج ۱۳، ص ۱۷۰.

۱۴. محقق تستری در کشف القناع (ص ۳۶۳) مطلبی با انتساب به عمیدالدین از جامع البین نقل کرده، فرموده اند: «ومنه الشهید (طاب ثراه) و قد ذکر فی الجمع بین الشرحین نحو ما تقدم عن شیخه عمیدالدین فی المسائل الاصولیه المذكوره و نقل اتفاق الفرقة علی کون مذهب الصحابی لیس حجة علی غیره من الصحابه ...». دلیلی بر صحت این انتساب به عمیدالدین در متن جامع البین نیست و شاید این ذکر اسم نیز همچون منتسب دانستن منیة اللیب به عمیدی باشد. والله اعلم.

کتاب جامع البین دیگری است؛ جدای از کتاب جامع البین شهید اول است، لکن این تصور اشتباه است و این دو شماره یکی هستند و از یک مؤلف و ما نسخه مصحح توسط شیخ حسین بن عبدالصمد را در مجموع نسخ جامع البین در این نوشته ذکر می‌کنیم (إن شاء الله).

و بعضی دیگر خیال کرده‌اند شیخ حسین بن عبدالصمد تغییر کلی بر کتاب ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که اثر مجزای دیگری شده است؛ لذا بر همین عقیده اصلاح جامع البین را جدای از جامع البین ذکر کرده‌اند.

نسخه‌شناسی «جامع البین من الفوائد الشرحین»

این کتاب تا به حال چاپ نشده و تنها قسمت اندکی از آن - از اول کتاب تا ابتدای المقصد الثانی - در مجله تحقیقات اسلامی در تهران (س ۱۲، ۱۳۷۶ ش، ۱ و ۲، ص ۲۵۹-۲۷۰) و تنها از دو نسخه جامع البین (نسخه هند - آیت الله آملی «ره» به چاپ رسیده است که دارای اشکالات متنی و فاقد مستندسازی مطالب و اقوال است.^{۱۷}

مشخصات پنج نسخه خطی جامع البین

۱. نسخه کتابخانه عمومی امیرالمومنین (ع) در نجف اشرف، تاریخ کتابت روز سه شنبه ۲۴ جمادی الاخره ۹۷۱ هـ،^{۱۸} کتاب فضل الله الشهير بر اجو الملقب به شیخ الاسلام، دارای حواشی و تصحیح.

حواشی این نسخه به دو دلیل از شهید ثانی است: ۱- بسیاری از متن این حواشی در نسخه هند توسط پدر شیخ بهایی هم استنساخ شده است و در آنجا با رمز «منه» مشخص گشته و در مقدمه نسخه هند تصریح شده است که این رمز نشان از متعلق بودن حواشی به شهید ثانی دارد؛ ۲- در پایان نسخه نوشته‌ای مجزاً به مقدار ۴/۵ صفحه تحت عنوان «فایده» درباره اجماع نزد

۱۵. کشکول بحرانی؛ ج ۲، ص ۲۰۳.

۱۶. علامه حلی؛ تهذیب الوصول الی علم الاصول؛ تحقیق سیدمحمد الرضوی کشمیری؛ لندن: طبع مؤسسه الامام علی (ع)، ص ۲۰-۲۱.

۱۷. در حال حاضر این کتاب برای چاپ در ضمن موسوعه شهید در مرکز احیاء آثار اسلامی پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی قم در حال تحقیق است.

۱۸. تاریخ کتابت در نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۵، ص ۴۰۹) و الشهید الاول حیات و آثاره (ص ۱۵۳) نسخ سده یازده ذکر شده است که تاریخ کتابت را ما عیناً از خط کتاب نقل کرده‌ایم.

شده است و بعد از ذکر نام جامع البین فی فوائد الشرحین در شماره‌ای جداگانه از شرح التهذیب الجمالی اینگونه متذکر شده‌اند: «قلت ولعله شرح التهذیب الجمالی المتقدم ويحتمل غيره».

۷. جامع البین فی مسائل الشرحین: در کشکول شیخ یوسف بحرانی در ضمن نقل اجازه شهید ثانی به پدر شیخ بهایی آمده است.^{۱۵}

همچنین با اسم‌های دیگری هم از این کتاب تعبیر شده است؛ مثل جامع البین من قواعد الشرحین، جامع الشرحین، جامع البین شرح الاخوان.

انتساب اشتباه کتاب جامع البین به شهید ثانی (قدس سره)

گاه این اثر شهید اول به اشتباه به شهید ثانی منتسب شده است؛ برای مثال بر روی صفحه نخست نسخه نجف با این انتساب دست خطی وجود دارد که نوشته است: «کتاب الجمع بین شرحی الامامین السیدین ... ، لکتاب تهذیب الاصول لعلامه الحلّی، للشیخ الشهید الثانی (قدس سره العزیز) اعنی شیخ زین الدین رحمه الله».

و در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۱۵۱) اینگونه آمده است: «شهید ثانی که شاگرد این دو برادر بوده (عمیدالدین و ضیاءالدین)، هر دو شرح را در کتابی به نام جامع البین من فوائد الشرحین یک جا جمع کرده است».

همچنین محقق کتاب تهذیب الوصول الی علم الاصول مطبوع، در مقدمه اش بر کتاب تهذیب، کتاب جامع البین را به شهید ثانی منتسب کرده است و می‌نویسد: «شرح الحسین بن عبدالصمد الحارثی العاملی، هو اصلاح للشرح الموسوم بـ (جامع البین) للشهید الثانی؛ البته بعد از این شرح در شماره جداگانه‌ای می‌نویسد: «شرح الشیخ السعید محمد بن مکی، الشهید فی عام ۷۸۶ هـ. اسم (جامع البین) الجامع بین شرحی الاخوان: ابنی أخت العلامة الحلّی، جمعهما ومیزهما بعلامة (ع) لعمید الدین (ض) لضیاء الدین، وزاد من نفسه زیادات».

خلطی برای محقق درباره این دو شماره صورت گرفته است که ایشان پنداشته‌اند کتاب اصلاح شیخ حسین پدر شیخ بهایی بر

شیعه، آمده است که در جلد دوم رسائل شهید ثانی (ص ۸۳۵-۸۴۳) تحت عنوان «تحقیق الاجماع فی زمن الغیبه» به چاپ رسیده است^{۱۹} که خود تعلیقه ای بر جامع البین محسوب می شود. در حواشی، به شرح ضیاء بسیار اشاره کرده است و متن را از روی آن تصحیح نموده است؛ بعضاً اشاره به خط مصنف شده و صحیح را نوشته است؛ مانند: «هكذا وجدت بخط رحمه الله وهو سهو...» و «هذه فی نسخه المسوده بغیر لفظ (کذلک) و هو سهو واصلحناها من شرح الضیاء...». در این نسخه، علامت «ع» روی بعضی عبارات نقل شده از سید عمیدالدین و علامت «ض» بر روی بعضی عبارات نقل شده از سید ضیاءالدین نوشته شده است و بعضی عبارات بین علامت «ز» و علامت «الی» قرار داده شده که بسیاری از اینها تکرار نوشته از کاتب و شاید از دستنویس شهید باشد که در سطرهای فوق آمده بوده. در وسط تصویر موجود از این نسخه، دو صفحه با نوشته های پراکنده و بی ربط با متن موجود است و دو صفحه ناقصی که شاید در اصل نسخه نجف موجود باشد. از آنجا که این نسخه تصویر سیاه و سفید است، لذا تشخیص دیگر مشخصات و علایم موجود در نسخه ممکن نیست.

بر روی نسخه علامت تملک افراد متعددی دیده می شود؛ مانند «مالکه الفقیر محمدباقر الشریف السبزواری»، «مالکه محمد معین» و «للحقیر سید میرزا» که هیچ کدام از اینها تاریخ ندارد.

بدون تردید این نسخه از لحاظ متن و قرائت آگاهانه و اصلاح، بهترین عبارت را بین نسخه های موجود داراست.
۲. نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۱۳۸ مجموعه امام جمعه خوی. قبلاً مطالبی از این شماره نقل شد و توضیح مختصری آمد.^{۲۰}

این نسخه در فهرست مذکور با عنوان شرح تهذیب الاصول معرفی شده است و با قید «ظاهراً» منتسب به سید عمیدالدین شده، لکن به توفیق خداوند متعال، با مقارنه با نسخه های دیگر معلوم شد نسخه ای با ارزش از کتاب جامع البین است که تاریخ مقابله آن (در حاشیه) ۹۸۱ هـ ذکر شده است. از یادداشت شخص مقابله کننده بر حاشیه این نسخه در صفحه ۴۰۹ فهمیده می شود او از معاصران شیخ حسین، پدر شیخ بهایی و مرتبط با او بوده است؛ چراکه در توضیح متن نسخه می نویسد: «قول الشارح - ویؤیده الی قوله فی رجل ارتد - تکرار لافائده فیه، هکذا قال الفاضل زبده المشایخ شیخ حسین، لاندری ذلک کتبت ذلک بعد المطالعه کل شیء ظهر علی، نقول فتدبر وذلک فی محل المقابله نهم شهر ربیع الاول بتاریخ سنه ۹۸۱». در این

تاریخ پدر شیخ بهایی در قید حیات بوده اند؛ چرا که وفاتشان سنه ۹۸۴ هـ می باشد؛ و در جایی دیگر ذیل عبارت حاشیه ای با این متن: «هكذا وجدنا بخطه ولاشک إن هنا سقط فیلزم أن یکون»، به رمز «۱۲» می نویسد: «لا یخفی علیک ان هذا القید للشیخ السعید شیخ حسین، وانا ما یطلع علی مضمونه ان الله یطلع». این دو حاشیه مذکور در این نسخه از روی نسخه پدر شیخ بهایی استنساخ شده است. و در حواشی نسخه هند موجود است.^{۲۱}

مشخصات دقیق مقابله کننده نامعلوم است. ظاهراً مقابله کننده با کاتب یکی نبوده است؛ زیرا خط و رنگ و کیفیت جوهر مورد استفاده، متفاوت است و چه بسا در پایان نسخه بوده

۱۹. در پایان این رساله اینگونه آمده است: «علقها مؤلفها زین الدین بن علی بن الحاجه سنه ۹۴۱» که این تاریخ همان تاریخ اجازه شهید ثانی به پدر شیخ بهایی است که در متن این اجازه آمده است: «وقرأ علی هذا الضعیف وسمع کتبا کثیره فی الفقه والاصولین والمنطق وغیرها، فمما قرأه من کتب اصول الفقه. مبادئ الوصول وتهذیب الوصول و... شرحه جامع البین من فوائد الشرحین...» و از طرف دیگر در انجام مقدمه ای که توسط پدر شیخ بهایی بر نسخه هند مرقوم شده، همین تاریخ مکتوب است. در کنار این مقدمه نسخه خطی منسوب به شیخ بهایی وجود دارد که گواهی به وجود خط شهید ثانی به مقدار کمی بر نسخه هند دارد. همه این قرائن نشان از به هم پیوستگی در سال ۹۴۱ این نسخ است، اما اینکه دستخط مبارک شهید ثانی بر روی چه نسخه ای از جامع البین بوده (بر روی نسخه مسوده شهید اول که پدر شیخ بهایی گزارش رویش را در مقدمه نسخه هند آورده و یا نسخه ای دیگر؟) یقیناً دستخطهای موجود در حواشی این نسخ (هند - نجف) دستخط کاتبین این دو نسخه است و از جایی دیگر استنساخ کرده اند. تفاوت موجود در عبارت و کمی و زیادی در حواشی این دو نسخه، خود قرینه استنساخ از جای دیگر است. عبارات موجود در حواشی شهید ثانی بر جامع البین، مانند «هكذا وجدت بخطه رحمه الله...» وجود نسخه ای دیگر را که حواشی شهید بر روی آن مرقوم بوده، تقویت می کند.

۲۰. شناسایی این نسخه در مرکز احیاء آثار اسلامی به همت کارشناسان نسخ خطی انجام شد و ما در این قسمت عین نوشته استاد بزرگوار حائری را نقل کرده، سپس جاهایی که لازم به توضیح و یا احیاناً تصحیح مطلب است، مطلب اضافه کرده ایم؛ آن هم به صورت قرار دادن متن داخل کلیشه و با قلم خمیده.

۲۱. گرچه حاشیه ابتدایی (... تکرار لافائده فیه) در نسخه هند با رمز «لی» آمده است - که حاکی از حواشی شیخ حسین است - اما در حواشی نسخه نجف با تفاوت اندکی در عبارت هم وجود دارد.

افتاده است و از انجام نسخه از مقصد دوازدهم - فی الاجتهاد، الفصل الثالث، فی احکام الاجتهاد - مقدار سه صفحه از این نسخه در رابطه با این فصل موجود است و بقیه نوشته به غیر از چهار صفحه صفحه صحافی شده در ابتدای نسخه افتاده و آن چهار صفحه مربوط به آخر کتاب است و مطلب آن مربوط به البحث الخامس - فی الاعتراضات - از مباحث پنجگانه المقصد الثانی عشر کتاب است، نه مبحث قیاس. مخفی نماند که این مطالب به یمن در اختیار داشتن متن کامل کتاب جامع البین برای ما روشن گشته است. [شرح تهذیب عمیدی] عدم صحت انتساب به عمیدی که تعبیر مختصر از سید عمیدالدین استاد شهید اول است را توضیح دادیم. [از برگ سه و با عبارت متن تهذیب درباره وضع بدین گونه آغاز شده است: ...]. [فهرست نویس بعد از نقل آغاز و انجام نسخه و آغاز و انجام چهار صفحه ادامه مشخصات نسخه را اینگونه می نویسد: [این نسخه تصحیح شده و سقطات آن که گاه به چندین سطر بالغ است، در حواشی جبران گردیده (ص ۱-۴)] صحیح از صفحه ۵۰۹ تا صفحه ۵۱۲ که مجموعاً چهار صفحه به خط مقابله کننده است] نونویس و دارای سطوری بیشتر از دیگر صفحات است. روی هفت سطر پایین صفحه ۵۰۸ خط قرمز کشیده شده. عنوان ها به شنگرف است؛ هشت برگ آخر نسخه رطوبت دیده و قسمتی از سطرهای دو برگ آخر در اثر رطوبت سیاه شده و خواننده نمی شود. [این بررسی احتمالاً از روی میکروفیلم انجام شده، والا در تصویر رنگی نسخه، متن خوشبختانه خواناست؛ مگر مقدار خیلی کم از آن؛ درست است که نسخه رطوبت دیده و رنگ کاغذ را عوض کرده، لکن سیاه و ناخوانا نیست.]

قطع: رقی ۱۸/۵ × ۱۱ × ۳ س.ج: تیماج مشکی (بدون مقوا) صفحات ۶۴۶ سطور ۱۹ کاغذ اصفهانی شکری رنگ، شماره ثبت ۶۳۱۶۸.

باشد که به علت افتادگی پایان نسخه اسم کاتب و مشخصات دیگر معلوم نمی شود.

نویسنده فهرست درباره این نسخه، بعد از توضیح مختصر مرتبط با تهذیب و دو شرح برادران اعرجی می نویسد: شهید ثانی [صحیح: شهید اول] که شاگرد این دو برادر بوده، هر دو شرح را در کتابی به نام جامع البین من فوائد الشرحین یک جا گرد آورده است. او بعد از ذکر مطلبی که سابقاً نقل کردیم، می آورد: کتاب حاضر ظاهراً شرح سید عمیدالدین عبدالمطلب است و او از شرح برادر خود سید ضیاءالدین یاد کرده است. [صحیح: دلیلی بر سبقت تاریخی شرح هر کدام از این دو برادر بر دیگری نداریم. احتمال سبقت شرح عمیدالدین بر ضیاءالدین بیشتر است؛ با این احتمال وجه نقل متن توسط عمیدالدین از ضیاءالدین بعید به نظر می رسد]. رجوع شود به ذریعه، (ج ۱۳، ص ۱۶۸) فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی (ج ۲، ص ۱۹۸). [همان طور که گفته شد، این نسخه متن کتاب جامع البین است و شهید در آن ابتدائاً از سید عمیدالدین و بعد از آن از سید ضیاءالدین به صراحت اسم برده اند؛ علاوه بر این مطالب متعددی با نوشته قرمز رنگ بر روی متن به صورت رمز «ع» از عمیدالدین و رمز «ض» از ضیاءالدین مشخص شده که شاید مقصود دیگری جدای از معلوم شدن صاحب مطلب مورد نظر بوده که دقیقاً برای ما روشن نیست؛ چرا که موارد نقل مطلب از این دو برادر خیلی بیشتر از این موارد است؛ مخصوصاً از سید ضیاء این موارد یک درصد نقل شده ها نیست.

مطلب دیگر اینکه: در مورد ارجاعات داده شده به الذریعه و فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، اینها هم در انتساب نسخه ای به سید عمیدالدین دچار اشتباه شده اند که آن نسخه کتاب توضیح الاصول از مجدالدین عبادحسینی است. [این نسخه به خط شکسته نستعلیق قرن ده یا یازده [قرن ده درست است به تصریح تاریخ مقابله که نقل شد] مقصد اول و چند سطر از مقصد دوم و نیز قسمتی از مقصد پانزدهم - اجتهاد و تقلید - از نسخه ساقط شده، در آغاز کتاب دو برگ مربوط به مباحث قیاس است و به این کتاب ربطی ندارد. [دقیقاً عبارت شرح از ابتدای مقصد الثانی - فی اللغات - موجود است و مقصد اول کامل و مقصد الثانی فقط متن تهذیب الوصول به مقدار تقریباً نه سطر

همان طور که به وجود دو حاشیه ذکر شده در این نسخه، در مجموع حواشی نسخه هند اشاره کردیم، معلوم می شود متن این نسخه از روی آن کتابت شده و سپس مقابله اش با نسخه دیگر بوده است که شاید نسخه مسوده شهید اول بوده باشد؛ چرا که بر روی برگ ها نشانه های اعمال اصلاح مثل ساییدگی کاغذ بسیار دیده می شود که متفاوت با نسخه شیخ حسین است.

۳. نسخه شماره ۹۶۳۵ که در فهرست مختصر کتابخانه مجلس شورای اسلامی نام برده شده است. ^{۲۲} از این نسخه تصویر رنگی توسط کتابخانه مذکور در اختیار مرکز احیای آثار

۲۲. سید محمد طباطبائی بهبهانی؛ فهرست مختصر نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۲۲۰.

اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی قم قرار داده شده است که دارای متن کامل از آغاز تا انجام کتاب است. سه خط در کتابت نسخه به کار رفته است که شاید از سه کاتب باشد. دقیقاً اسم و نشانی از کاتبین بر روی نسخه نیست و روی نسخه تصویر، چند مهر دیده می شود که تاریخ درج شده در یکی از مهرها ۱۱۴۸ می باشد. این نسخه فاقد علامت بلاغ است و بسیار از لحاظ متنی مغلوط و ناخواناست و حاشیه تصحیحی کمی دارد که متن را کامل کرده است. از ابتدا تا برگه ۱۲۷ نسخه ۲۵ سطری و از آن به بعد ۲۳ سطری است و مجموع نسخه ۲۰۴ برگ است. بر روی صفحات ابتدای کتاب آمده است: «من مملکات العبد الاقل الراجی علی اکبر بن محمد البصری الطوسی عفی عنهما». در کتاب الشریعه الی استدراک الذریعه، شماره ۲۱۸ درباره این نسخه آمده است: «منه (جامع البین) نسخه بمکتبه المجلس تحت رقم ۹۶۳۵، و يظهر منها أنها من مخطوطات القرن العاشر، ولم يوجد فيها أثر من الاصلاحات التي فعلها العاملي بالنسخه. و بهامش الصفحه الأخير منها مذکره مخدوشه یبدو منها أن النسخه ناقصه. أولها: «هذه تتمه شرح التهذيب والباقي لم يرسل... وسيرسل...».

متن این نسخه کامل است؛ همان طور که در انجام متن نسخه به این مطلب اشاره شده است: «وحيث انتهى كلامهما [ای: کلام سید عمیدالدین و سید ضیاءالدین] بانتهاء کلام المصنف فلنقطع الكلام حامدين ومصليين والحمد لله رب العالمين»؛ و گرچه حواشی نسخه شیخ حسین استنساخ نشده، لکن منشأ استنساخ متن آنجاست و اشتباهات قرائتی که در نسخه شیخ حسین موجود بوده، در این نسخه هم وجود دارد.

۴. نسخه اهدایی حضرت آیت الله محمدتقی آملی اعلی الله مقامه الشریف به عالم فاضل دکتر اکبر ثبوت. این نسخه دارای اغلاط و افتادگی در متن است و آسیب دیده، انجام نسخه ناقص است.

آغاز: بسمله، الحمد لله على سوابغ نعمائك بابلغ محامدك واسالك المزيد من فضلك ...

انجام ناقص: قال العاشر: لا يشترط في الاجماع قول كل الامه في زمن الرسول عليه السلام الى يوم القيامة ...
اقول: ... ويلزمه تخطيه كل الامه في مسئله الواحده بجهه واحد.

نسخه به خط نسخ، بدون نام کاتب، عناوین به سنگرف و مشکی و در بعضی از برگ ها سفید مانده است. در موارد کمی حاشیه تصحیحی دارد. قسمتی از نسخه رطوبت دیده، در حاشیه برگ آخر نسخه رساله منظوم [رساله میراث] در باب

طبقات ارث است؛ با آغاز: «بسمله، يقول الراجی العفو من ذی المنن عبیده محمد ابن الحسن، عامله مولاه بالا حسان»؛ و در یک برگ از انجام نسخه، متخبی از قصاید خطائی المسمی بمحمد حسین قزوینی را به صورت چلیپای آورده است.
جلد تیماج قهوه ای، مجدول ضروبی به همراه ترنج و سرترنج، طول ۳۰ و عرض ۱۵ سانتیمتر، دارای ۲۳ سطر.
اصل این نسخه در کتابخانه شخصی دکتر ثبوت در تهران است.

۵. نسخه هند که مهر کتابخانه ممتاز العلماء لکنهو هند بر آن مشهود است^{۲۳} و تصویری از آن را محقق گرامی آقای دکتر ثبوت تهیه نموده اند. این نسخه به خط شیخ حسین بن عبدالصمد است و دارای حواشی زیادی از شهید ثانی و شیخ حسین پدر شیخ بهایی است. در ابتدا مقدمه ای از شیخ حسین و سپس یادداشتی از شیخ بهایی مرقوم شده که متنش اینگونه است: «کتاب جامع البین من فوائد الشرحین؛ یعنی شرحی الامامین السیدین السعیدین ضیاءالدین و عمیدالدین رحمهما الله تعالی؛ فانه ملتقط منهما، جامع لفوائدهما - کما سماه - مع ما فيه من الزوائد عنهما؛ الا انه رحمه الله لم يراجع المسودة بعد الجمع مع ان الجمع المذكور كان في عنوان شبابه، ولهذا وجدنا فيها سقطاً كثيراً من الاحرف والکتاب والسنة، وقد وجدنا فيه ايضاً تکراراً بيناً في عدة مواضع، وكأنه لما حاول الجمع بينهما ذهل عما كتبه من احدهما فكتبه من الآخر ونحو ذلك.

ثم اني لما كتبه وطالعت فيه، دعنتي الغيرة الى التصدي لاصلاحه؛ فاصلحت فيه الكثير من السقط المذكور من مظانه، ولم يبق فيه الا مواضع يسيرة جداً في بعض التي لم اعلم من اين اخذها، و اما ما علمته فاصلحته منه، او ما كان من شرح السيد عمیدالدین، فان الملتقط منه الزائد على ما في شرح الضیاء، قليل جداً؛ ولم يكن هذا الشرح عندي.

وقد وجدنا ايضاً بخطه في هذه النسخة، مواضع معلماً عليها الباء الهندية، والمواضع غير صحيحة، فكان نسخة الضیاء التي

۲۳. گرچه مهر کتابخانه ممتاز العلماء لکنهو هند در آن موجود است، لکن معرفی نسخه در فهرست نسخه های خطی این کتابخانه که توسط سید صادق حسینی اشکوری نگارش شده است، نیامده و بارها شنیده شد که این نسخه به ایران آورده شده است.

کسب اجازه نقل قول نمی کردند و تاریخ اجازه شهید اول از عمیدالدین در سال ۷۵۱ هـ فی الحضرة الحائرية المقدسة نوشته شده است و عمر شریف شهید در این زمان ۲۷ سال بوده است؛ (ج) مسافرت شهید اول از جزین به عراق برای تحصیل علوم سنه ۷۵۰ هـ ذکر شده است که سنشان در آن وقت ۲۶ سال بوده که آشنایی شهید پیش از مسافرتش، با ضیاءالدین و عمیدالدین و داشتن شروح آنها - حتی در فرض تألیف آنها - با امکانات آن وقت، بعید به نظر می رسد.^{۲۵}

شاید علت اینکه شهید از جامع البین با تعبیر شرح التهذیب الجمالی فقط در اجازه اش به ابن خازن (در سنه ۷۸۴ هـ دو سال به شهادتش) نام برده و در اجازه به ابن نجده در سنه ۷۷۰ هـ، گرچه از بعضی تألیفاتشان نام برده است، لکن نامی از شرح تهذیب نیامده، چه بسا به خاطر تألیف نشدن جامع البین در آن زمان بوده باشد و به صورت مسوده ماندن جامع البین، می تواند علتش یاری نکردن عمر شهید باشد نه چیز دیگر. واللّه اعلم.

۲. گرچه در این مقدمه به مشخص شدن حواشی شهید ثانی با رمز «منه» اشاره شده است، لکن حواشی با رمز «له» هم از شهید ثانی است؛ همان طور که در نسخه نجف استنساخ شده است.

۳. گرچه در متن مقدمه انحصار منقولات از ضیاءالدین به مواردی شده که با رمز «ض» مشخص است، اما در واقع تمام موارد متنی نقل شده از منیة اللیب با اسم و یا رمز معلوم نگشته، بلکه این مقدار که نشانی دارد، مقدار بسیار کمی دارد؛ پس با این قرینه تمام موارد ذکر شده از عمیدالدین هم با این رموز و یا تصریح معلوم نمی شود. ما متن شرح عمیدی را نداریم تا موارد نقلی با آن تطبیق شود و متأسفانه در دست پدر شیخ بهایی هم موجود نبوده است و مواردی که با عبارت «زیاده» و «آخرها» مشخص شده، تمام موارد زیادی بر شرحین نیست و چه بسا این نصب رموز، علت دیگری داشته است.

مطلب دیگر در رابطه با اصل نسخه: نقل شده است که این نسخه با اسم اصلاح جامع البین^{۲۶} نامیده شده، ولی اثری از این اسم بر روی نسخه نیست؛ مگر همان اشاره در مقدمه که مبنی بر اصلاح است.

نکته دیگر اینکه: گرچه حواشی اصلاحی از کاتب و شهید

۲۴. چگونگی اثبات حیات ضیاءالدین در این تاریخ را در هامش ۲ آورده ایم.

۲۵. آنچه مسلم است اینکه: خود شیخ حسین این مقدمه را در جوانی نوشته اند؛ چرا که در ۹۴۱ هـ قریب به ۲۲ سال سن داشته اند.

۲۶. اعیان الشیعه؛ ج ۵، ص ۴۰۴. به تبع در جاهای دیگر هم آمده است.

عنده، لم تکن صحیحۃ فی تلك المواضع. فاصلحناه نحن ایضاً. وریما وجده عنده منهما شیء مغلوط، فوافق ان فی نستختنا کذلک، لایسعنا الا ترکہ کما هو، واما ما کتبت علیه بآء ہندیۃ، فہی لاستشکال ما، اما فی اللفظ او المعنی، وقد ترکت ایضاً من مواضع یحتاج الاصلاح لم اصلحها، لوضوحها او لعسرة اصلاحها فی التغبیر علیها بخطہ، او کتبت علی الحاشیۃ: صوابہ کذا او نحو ذلک.

ثم ان الشهيد رحمه الله، میز ما اختص به شرح الضیاء؛ فکتب علیه (ض)؛ وما اختص به شرح العمید، فکتب علیه (ع)؛ وتابعته فی ذلک؛ و ما کان زائداً عنهما کتبت فی اوله (زیاده) و فی آخره (آخرها) فصارت هذه النسخه ممیزه لمختصات الشرحین والزوائد علیهما؛ ومختصه بمزید الاصلاح المذكور والتصحیح؛ ومن وقف علیها علم ذلک؛ واما ما علیها من الحواشیات؛ فان کان فی آخرها (منه) فہی لشیخنا؛ وان کان فی آخرها (لی) فہی ممّا سنح لی بحین آیام المطالعه. فرقمته وانی راقم الكتاب ومالکة حسین بن عبدالصمد الحارث الهمدانی؛ ضحی یوم الجمعه سابع عشر رجب المرجب سنه احدى واربعین وتسعمائه بعد الفراغ من مطالعته بایام والحمد لله اولاً و آخراً.

یادداشت شیخ بهایی در حاشیه صفحه دوم نسخه، در کنار مقدمه پدر خود بر جامع البین چنین است: «هذا الكتاب من اوله الی آخره بخط والدی قدس الله قدس الله روحه، ولیس فیہ الاشیء یسیر بخط شیخنا الشہید الثانی نور الله نور الله مرقدہ».

چند مطلب در بررسی کلام شیخ حسین

سه مطلب در مقدمه نسخه هند وجود دارد که قابل تأمل است:

۱. شیخ حسین در مقدمه آورده اند: «انّ الجمع المذكور کان فی عنفوان شبابه». چند نکته است که به نظر می رسد با این کلام منافات دارد: الف) در متن جامع البین شهید اول درباره ضیاءالدین با عبارت «السید العلامه ضیاءالدین رحمه الله» دعا کرده اند که نشان از تألیف جامع البین بعد از حیات ضیاءالدین، یعنی سنه ۷۶۶ هـ دارد^{۲۴} که شهید در آن وقت ۴۲ سال داشته است؛ ب) واضح است که سیره عالمان بر این بوده که بدون

ثانی بر نسخه وجود دارد، ولی متن این در مقایسه با نسخه نجف اشکالات بسیاری دارد.

اقوالی دیگر درباره جامع البین

شیخ حرّ عاملی در ضمن شمارش مؤلفات شهید اول اینگونه می آورد: «کتاب جامع البین من فوائد الشرحین، جمع فیه بین شرحی تهذیب الاصول للسیّد عمیدالدین والسیّد ضیاءالدین، رأیه بخطّ الشّهِید الثانی».^{۲۷}

در اینکه آیا نسخه ای از جامع البین به خط شهید ثانی موجود بوده یا خیر، باید گفت: گرچه ما سرنخی از وجود این نسخه در حال حاضر پیدا نکردیم، لکن دلایل و قراینی دیگر وجود دارد که این سخن شیخ حرّ عاملی را تأیید می کند.

همان گونه که سابقاً اشاره شده، حواشی شهید ثانی در نسخه نجف و هند استنساخ شده است و در متن این حواشی عباراتی همچون «هذه اللاحق اصلحناه من شرح الضیاء لما ظهر لنا من أنه إنما تركه سهواً» و «هذه فی نسخه المسوده بغير لفظ كذلك واصلحناها من شرح الضیاء ...» و «هكذا بخطه فی المسوده والصواب العکس، کما کتبناه من شرح ضیاءالدین فینبغی ان یکتب ویترک ما فی الکتاب الی ...» و ... یافت می شود که دلیل بر وجود نسخه ای اصلاحی توسط شهید ثانی از جامع البین است.

قرینه اول: کتابت نسخه نجف متأخر از حیات شهید ثانی بوده، استنساخ آن به خط کاتب است؛ لذا مأخذ حواشی موجود بر آن یا باید نسخه شیخ حسین باشد و یا نسخه دیگر؛ اما نسخه شیخ حسین نمی تواند سنه ۹۴۱ هـ باشد؛ چرا که آن حواشی کمتر از حواشی مکتوب بر نسخه نجف است و گاه تفاوت عبارت حواشی وجود دارد؛ لذا باید نسخه ای دیگر مأخذ استنساخ نسخه نجف باشد که با واسطه و یا بی واسطه به دستخط شهید ثانی منتهی است.

قرینه دوم: حواشی موجود در نسخه شیخ حسین با دستخط حواشی خود شیخ حسین یکی است و لذا آن هم از مأخذ دیگری أخذ و استنساخ شده است.

قرینه سوم: شیخ حسین در مقدمه خود بر نسخه هند این عبارت را آورده بود: «فصارت هذه النسخه ممیزه لمختصات الشرحین والزوائد علیهما و مختصه بمزید الاصلاح المذكور و التصحیح ومن وقف علیها علم ذلك».

اما اینکه نوشته اند «فصارت هذه النسخه ممیزه» این ممیزیت نمی تواند در مقابل نسخه مسوده شهید اول باشد؛ پس باید نسخه

سومی حداقل به رویت کاتب رسیده باشد که به قرینه استنساخ حواشی شهید ثانی نسخه شهید ثانی است؛ گرچه اثبات شیء نفی ما عدا نمی کند.

در نتیجه با توجه به گزارش شیخ حرّ عاملی و دلایل و قراین مذکور نسخه اصلاح شده توسط شهید ثانی موجود بوده است.

سیداعجاز حسین نیشابوری کتوری در مورد جامع البین می فرماید: «جامع البین من فوائد الشرحین، للشیخ الأجل ... الشّهِید الأجل ... جمع فیه بین شرحی تهذیب الوصول للسیّد عمیدالدین والسیّد ضیاءالدین، وزاد شیئاً کثیراً، إلا أنه لم یراجع المسوده بعد الجمع، مع أن الجمع المذكور کان فی عنفوان شبابه، فهذبّه وأصله الشیخ حسین بن عبدالصمد الحارثی، وفرغ من إصلاحه سنه إحدى وأربعین وتسمائه. وقال (رحمه الله) بعد ذکر ما يتعلق باصلاحه: «... ثم ان الشّهِید رحمه الله، میز ما اختص به شرح الضیاء؛ فکتب علیه (ض)؛ وما اختص به شرح العمید، فکتب علیه (ع)؛ و تابعته فی ذلك؛ و ما کان زائداً عنهما کتب فی اوّل (زیاده) و فی آخره (آخرها) فصارت هذه النسخه ممیزه لمختصات الشرحین والزوائد علیهما؛ و مختصه بمزید الاصلاح المذكور والتصحیح».^{۲۸}

وقد ظفرت بحمدالله علی نسخه کانت بخط الشیخ حسین بن عبدالصمد، أولها: «أحمدک اللهم علی سوانح نعمانک بأبلغ محامدک، وأسألک، المزیّد من فضلک ...».

این مشخصات با نسخه هند که معرفی آن را در شماره پنج آوردیم؛ مطابقت دارد.

در پایان از استاد عزیز و گرامی، حضرت حجت الاسلام والمسلمین ناطقی (زید عزه الشریف) که در این راه با صبر و حوصله مرایاری کردند، تشکر می کنم.



۲۷. أمل الأمل؛ ج ۱، ص ۱۸۱. این کتاب تألیف سنه ۱۰۹۷ هـ است و از استادان شیخ حرّ عاملی الشیخ زین الدین بن محمد بن الحسن بن زین الدین الشّهِید الثانی و الشیخ علی حفید الشّهِید الثانی صاحب کتاب الدر المنثور شمرده شده است که بعید نیست این نسخه گزارش شده، در دست اینها بوده باشد.

۲۸. کشف الحجب والاسرار؛ ص ۱۵۱-۱۵۲.